

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۶۰۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ آذر ۱۳۹۰، ۷ دسامبر ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

نکاتی در جواب به نوشته هلمت احمدیان!



عبه صید مرادی

بارها گرفته است، البته مبتکر این
اراجیف راست و ضد کمونیستی
شاخه های مختلف سازمان
زحمتکشان بودند و عواقب سیاسی
و نتایج مرزبندیهای آنها با چپ و با
گذشته خودشان را دیدیم و همه
میدانند که کجا ایستاده اند.

آقای احمدیان نمیتوانست به
"اتحاد سوسیالیستی" جواب بدهد و
نقد کند و آنها را ارزیابی بکند اما
نقد و ارزیابی محفلی که نزدیک به دو

در صفحه ۳

در حاشیه نوشته هلمت احمدیان از کومه له برای قضاوت

هلمت احمدیان بار دیگر نوشته
ای در باره سیاستهای منصور
حکمت و حزب کمونیست کارگری،
و این بار به بهانه نوشته ای از
جریانی بنام "اتحاد سوسیالیستی
کارگری"، نوشته است. (*) در این
یادداشت کوتاه قصد من جواب
دادن به اظهارات ایشان نیست.
هلمت احمدیان متأسفانه مواضع
حزب کمونیست کارگری را نقد
نکرده است. نقد و بحث سیاسی در
بین نیروهای سیاسی يك امر عادی
در صفحه ۲



ناصر اصغری

آقای هلمت احمدیان! مخاطبین واقعی شما را میشناسیم



نسان نودینیان

اخیرا توسط هلمت احمدیان
"نوشته" ای با عنوان رابطه
تئوری و پراتیک در نزد "اتحاد
سوسیالیستی کارگری" منتشر
شده است. این "نوشته" ظاهرا
جوابی است به نقد فردی به امضای
احمد شقاقی در نشریه به پیش
شماره ۶۹ ارگان «اتحاد»
سوسیالیستی کارگری.»
خواننده ای که با تاریخ و
مقدرات جنبش کمونیستی در
ایران و تاریخ و دوره های مختلف
سرنوشت حزب کمونیست ایران،
اسناد مباحثات و اختلافات درونی
جناح های حزب کمونیست ایران و

در صفحه ۴

۱۶ آذر دانشگاه ها را "اشغال" کنید! علیه تبعیض و اختناق، علیه جمهوری اسلامی به میدان آید! پرچم انقلاب ۹۹ در صدی ها" علیه سرمایه داری را برافرازد!



تغییرات بسیار بزرگتر در پیش
است. ۱۶ آذر طبعاً رنگ زمان خود
را میگیرد. درست یکسال قبل
همین روزها آتش انقلابی جهانی با
خودسوزی يك جوان تونس شروع
شد که در مدت کوتاهی

در صفحه ۲

شانزده آذر روز اعتراض سراسری
دانشگاه، این "سنگر آزادی و
برابری"، روز هراس و وحشت
جمهوری اسلامی فرا میرسد. اما
امسال با هرسال فرق دارد. طی
یکسال گذشته دنیا به اندازه دهها
سال تغییر کرده و چشم انداز

سخنرانی مینا احدی در مقابل کنفرانس بن دوم در شهر بن صفحه ۵

ملاقات مینا احدی با مقامات پارلمان اروپا در رابطه با پیگیری پرونده قتل رافق تقی صفحه ۶

بنیاد های اجتماعی و فکری کمونیسم کارگری صفحه ۷

اخبار هفته

در صفحه ۷
حمله باندهای اسلامی به مراکز ماساز و مشروب فروشی ها در زاخو
تبعید فعال فرهنگی در مهاباد به اتهام ارتباط با یک حزب مخالف
اعتصاب غذای جبرئیل خسروی در زندان سنندج
آمارهایی از نقض حقوق انسانی در شهرهای کردستان

قابل توجه اعضا حزب کمونیست کارگری ایران! (درباره انتخابات نمایندگان کناره ۸)

در صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ در حاشیه نوشته ...

حرف زده می شود، باز بیشتر چپهای منفرد را مد نظر دارند. غافل از اینکه حزب کمونیست ایران يك حزب است و با ادعای هلمت احمدیان کارهای مهمی هم که می کند، معلوم نیست چگونه است که يك حزب کمونیستی اتحاد عمل و ایجاد قطب سوسیالیستی چپ را با اتحاد با نویسندگان و چپهای مستقل تعریف می کند! اتحاد عمل احزاب فقط با احزاب معنی دارد.

ما امیدواریم که نوشته هلمت احمدیان سیاست حزب کمونیست ایران نباشد. یا حداقل سیاستی نباشد که دست بالا را در رهبری این حزب داشته باشد. بخش وسیعی از اعضا و کادرهای این حزب که با ما در ارتباطند، واقعا و قلبا می خواهند که با جریانی مثل حزب کمونیست کارگری و به درست برای پیش بردن امری سوسیالیستی و کارگری در این بزنگاه مهم تاریخی در ایران، کارهای مشترک در سطوح بالاتر انجام بدهند. نگاه هلمت احمدیان به حزب کمونیست کارگری، نگاه به دشمن است. جریانی که چپ خرده بورژوا است و جهت گیری لیبرالی دارد و در همان مسیر دارد این جهتگیری را تکمیل می کند، جریانی است که از لحاظ طبقاتی در قطب دشمن طبقاتی قرار می گیرد. رفیق هلمت احمدیان یا متأسفانه بار سیاسی این جملات و ادعاهای ما متوجه نیست و یا عمدا دارد کاری می کند که بالانسی در جانی ایجاد کند؟! برخورد هلمت احمدیان با حزب کمونیست کارگری با برخورد حزب دمکرات کردستان و اکثریت و رضا مقدم با ما فرق زیادی نمی کند.

(*) هلمت احمدیان قبلا هم در جواب "حزب حکمتیست" همین کار را کرده بود که آنوقت هم جواب ایشان را دادیم. خوانندگان کنجکاو می توانند در لینک زیر به آن جواب مراجعه کنند.

<http://www.iskraa.net/iskraa/isk/441to450/450.pdf>

۵ دسامبر ۲۰۱۱

بالا تر هم گفتم که از بحث و نقد سیاسی استقبال می کنیم. هلمت احمدیان می توانست به نقد تمام آنچه که به حزب کمونیست کارگری نسبت داده است، و تمام آن تکه هائی را که به ما پراکنده است، بنشیند و ما هم با کمال میل و با استقبال وارد بحث با ایشان می شدیم؛ اما گفتیم که متلک می گوید و ناسزاها را مخالفین ما را فقط بعنوان ناسزا تکرار می کند! همین.

هلمت احمدیان درباره "ایجاد قطب سوسیالیستی چپ" می گوید: "سیاست حزب کمونیست ایران در قبال "ضرورت ایجاد قطب سوسیالیستی چپ" روشن است. و در باره اهمیت این گفته خود پایین تر می نویسد: "برای نشان دادن اهمیت و ضرورت پافشاری حزب کمونیست ایران برای کار جدی و فعالانه در این عرصه لازم نیست جای دوری برویم. اوضاع کنونی در کشور مصر را نگاه کنید، آیا اگر قبل از برپائی قیام های اخیر يك قطب سیاسی چپ شکل می گرفت نمی توانست توازن قوا را به نفع جریان سوسیالیستی و کارگری بهتر کند؟" ایشان که ظاهرا با ایرج آذرین بحث می کند، به حزب کمونیست کارگری بینیم چه می گوید: "با مبانی سیاسی، تاکتیکی و خطوط تبلیغی منتج از این جهت گیری های استراتژیک جدید، دوره دگرذیسی جریان کمونیسم کارگری، که از مقطع سازماندهی انشعاب در حزب کمونیست ایران آغاز شده بود و تبدیل آن به يك جریان چپ خرده بورژوا با جهت گیری های لیبرالی به پایان رسید." فعلا کاری به این ادعاهای گنده ایشان ندارم. اما کسی که حزب کمونیست کارگری را يك جریان "چپ خرده بورژوا با جهت گیری های لیبرالی" بداند، چرا باید با آن جریان، وارد يك "قطب" بشود؟ واقعیت آن است که هلمت احمدیان، همچنانکه در این نوشته هم اظهار کرده است، از اینکه کسی به حزب توفان بگوید، "نور ستارگان مرده" دلخور است. منظور ایشان به نظر می آید که از "قطب سوسیالیستی چپ" محافلی مثل توفان است. در نوشته های رهبری این حزب در جاهای دیگر هم وقتی که از اتحاد عمل و "قطب سوسیالیستی چپ"

است. حتی در درون خود احزاب پویا و سرزنده هم چنین است. اگر با ما وارد بحث می شد، با کمال میل از آن استقبال می کردیم؛ اما به ناسزاگوئی ها و متلک پراکنی های مخالفین ما آویزان شده و به نظر من بدترین حرفها را بار ما کرده است. اگر از عبدالله مهتدی، از رضا مقدم، از توفان و کورش مدرسی و راه توده و غیره می شنیدیم، از کنارش رد می شدیم و جوابی هم نمی دادیم. اما بحث با حزب کمونیست ایران و از آنجا که اخیرا با این جریان وارد دیالوگ و روابطی شده و کارهای مشترکی کرده ایم، شنیدن این متلکها و دیدن اینگونه برخوردها، هم عجیب است و هم غیرمنتظره. این برخورد وی، بقول خودش همانند خروس بی محل بود. اما اجازه بدهید که از این توضیح مقدماتی بگذریم.

من نوشته مورد نقد ایشان را نخوانده ام و نمی دانم دعوا بر سر چیست؛ اما بخش کوچکی از نوشته هلمت احمدیان اختصاص دارد به لیست بلند بالائی از افتخارات کومه له و حزب کمونیست ایران؛ از جمله تعداد جانباختگان کومه له، اعتراضات کوره پزخانه ها، محبوبیت این جریان در کردستان و غیره و آنها را مدیون عملکرد و پراتیک این دوره جریان خود دانسته است. بقول آن طنز فارسی: "از کرامات شیخ ما اینست که شیره را خورد و گفت شیرین است."

تا آنجا که هلمت احمدیان تاریخ جدائی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران را بازگوئی کرده است که ظاهرا از تکرار این موضوع لذت می برد، همان تبیین عبدالله مهتدی است که صد بار جواب گرفته است. اما کسی که تصمیم گرفته با آن سرنوشت احساس نزدیکی کند، هیچ جوابی او را قانع نخواهد کرد.

راه غلط ایجاد قطب چپ

هدف من از نگارش این یادداشت کوتاه بیشتر بخاطر تکرار جمله دیگر بی معنای "ضرورت ایجاد قطب چپ" که از طرف هم هلمت احمدیان و هم تعداد دیگری از کادرهای رهبری این حزب تکرار می شود، می باشد. می خواهم تاکید کنم که هدف من دعوت ایشان و یا هیچ کس دیگری به سکوت نیست.

۱۶ آذر دانشگاه ها را "اشغال" کنید! ...

از صفحه ۱

متن طبعاً بسیاری مسائل مشخص و بلافصل هست که بر ۱۶ آذر رنگ میزند. الغاء تبعیض و آپارتاید جنسیتی، این سلاح کثیف و مخوف اسلام سیاسی، در صدر مطالبات و اعتراضات بلافصل قرار میگیرد. چرا که جمهوری اسلامی بویژه تلاش کرده است از طریق سفت کردن بندهای آپارتاید جنسیتی مگر دانشگاه را ساکت و مرعوب کند. در همین رابطه آزادی دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی از خواست های فوری و مبرم است. خواست آزادی بی قید و شرط بیان و فعالیت سیاسی آزادانه در دانشگاه نیز از جمله مطالبات کلیدی و فوری است. ۱۶ آذر فرصتی است تا دانشگاه در سطحی سراسری حول مطالبات و پرچم واحدی متحد شود. در این رابطه يك بار دیگر توجه همه دانشجویان را به "پلاتنفرم اتحاد سراسری... جلب میکنیم. در مورد اشکال برپائی اجتماعات و اعتراضات ۱۶ آذر طعنا رهبران و فعالین محلی باید با توجه به اوضاع مشخص تصمیم بگیرند. بطور کلی میتوان بر تعطیل سراسری کلاسها، برپایی اجتماعات و تظاهرات و تحصن، ترتیب دادن سمینارها و غیره تاکید

سازمان جوانان کمونیست بسهم خود در گرامیداشت ۱۶ آذر در جهتی که آمد میکوشد و دست تک تک شما دانشجویان سراسر ایران را برای برپایی ۱۶ آذر علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری میفشارد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
سازمان جوانان کمونیست
۹ آذر ۱۳۹۰
۳۰ نوامبر ۲۰۱۱

دیکتاتورهای چندین ده ساله خاورمیانه و شمال آفریقا را یکی بعد از دیگری خاکستر کرد. گویی شعار "مرگ بر دیکتاتور" انقلاب ۸۸ ایران (که اولین بار در یکی از تظاهراتهای ۱۶ آذر شنیده شد) جهانی شده بود! اما فقط این دیکتاتورهای خاورمیانه نیستند که دود میشوند و یا بر خود میلرزند. موج جنبش های انقلابی و تظاهراتهای عظیم که جوانان انگلیس و اسپانیا و یونان و اسرائیل تا آمریکا و شیلی را به لرزه در آورده است. تا یکسال پیش هنوز انقلاب خشونت محسوب میشد و جزو لیست سیاه ادبیات میدیا و آکادمیها بود. حالا اوپاما و سرکوزی هم میگویند "صدای آنرا شنیده ایم" و امثال خامنه ای از ترس آن آیه "بیداری اسلامی است" میخوانند و دور خود فوت میکنند. طی یکسال معلوم شد که تا چه حد جهان همسرنوشت است. معلوم شد در همه جای جهان "يك درصد" که مالک بانک و بازار و صنعت است حکومت میکند و "۹۹ درصد" قربانی این وضع و علیه آن به غلیان در آمده است. در یکسال گذشته معلوم شد راهی که مردم ایران دوسال پیش شروع کردند، سرمشق جهان قرار گرفته و اکنون باید کار نیمه تمام را در ایران تمام کرد. باید جمهوری اسلامی را به قدرت انقلاب مردم سرنگون کرد و جامعه ای آزاد و برابر درست کرد که اختیار را به انسان برمیگرداند و الگویی برای همه ۹۹ درصدی ها میشود. ۱۶ آذر امسال لازم است قبل از هرچیز یادآور این همه باشد، با آن تداعی شود و هرچه پرسرو صداتر صدای اعتراض ۹۹ درصدی ها بر علیه جمهوری اسلامی و آیت الله های میلیاردر در ایران باشد. در این

زنده باد انقلاب انسانی
برای حکومت انسانی

از صفحه ۱ نکاتی در جواب به نوشته...

دهه میباید ربطی به کمونیسم کارگری ندارند و به دشمنی و نفرت پراکنی علیه کمونیسم کارگری شهرت دارند، آیا رواست که به این بهانه از موضعی راست و ضد کمونیستی به منصور حکمت و کمونیسم کارگری تاخت. در نوشته احمدیان اسمی از منصور حکمت نیامده، او ظاهراً وارد "دیالوگ" با فردی به اسم احمد شقاقی شده است. اما روایات و اشاره به آن تاریخ و اختلافات درونی و جناح بندیهای حزب کمونیست ایران با کمونیسم کارگری و منصور حکمت میخ شده است. در واقع هلمت احمد شقاقی را بهانه حمله به آن تاریخ کرده است.

اشاره به دهه ۹۰ میلادی و حوادث عظیم سیاسی دنیای آن دوران و برخورد به تتنگاهای سیاسی کمونیسم اوج مسئولیت و دفاع از کارگر و کمونیسم از طرف منصور حکمت میباشد. کارهای عظیمی که راهنمای دوران حاضر هم میباشد. من به نسل جوان و فعالین سیاسی که با آن تاریخ هنوز آشنایی کامل ندارند توصیه میکنم این آثار را بخوانند.

آقای احمدیان تحولات آن دوران حزب کمونیست ایران را به اردوگاه نشینی خلاصه میکنند. او همچنان به تحقیر تئوری و سیاست کمونیستی میپردازد و به بقیه فخر فروشی میکند. حقیقتاً کلاهتتان را قاضی بکنید و وجدانان در خلوت خود فکر کرده اید اگر آن روند تاریخی بوقوع نمیپیوست و کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) با منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست آشنا نمیشد آیا با مارکسیسم عاریه گرفته از مائو و مارکسیسم انورخوجه ای تا کجا دوام میآورد. آیا مارکسیسم کومه له از تعبیرهای پیکار و رزمندگان روشنتر و شفاف تر بود؟ که در تناقضهای سیاسی آن دوران داغان و متلاشی شدند. موضعگیری در قیل جنگ ایران و عراق مگر یادمان رفته که این سازمانهای به اصطلاح چپ و مارکسیستی و موضعگیری های "وطنی" آنها تمام آنها را تا مرز متلاشی شدن کشاند. آیا واقعا مارکسیسم شما تفاوتهای اساسی با مارکسیسم آلائی شوروش و ملاًبختیار داشت. (آلائی شوروش یک

سازمان منشعب از اتحادیه میهنی بود با مسئولیت ملا بختیار)، عبدالله مهتدی و شعیب ذکریایی از پیشروان نظری آن دوران کومه له بودند و عاقبتشان به کجا رسید و مارکسیسمشان تا کجا دوام آورد. شما هنوز از برنامه ای پیروی میکنید (البته به درست) که هنوز امضای منصور حکمت را بر خود دارد، این اندازه ایستادن در جبهه چپ و موضعی که در دفاع از حزب کمونیست ایران ابراز شده جای خوشحالی است. روند تکامل سیاسی - تاریخی این روند را نباید فراموش بکنید! البته کسی خواهان "پاداش" و "خیزیه" ای در وفاداری و این مسئولیت نیست. انتظار طبیعی هم این است که شانناز نکنید و به صاحب برنامه و به کمونیستهای بغل دستتان تهمت و ناروا نزنید.

آقای احمدیان اشاره میکند ما در دهه ۹۰ صحنه را خالی کردیم و نتوانستیم در صحنه بمانیم و این خدمت به ناسیونالیسم بود. اما ایشان و رفقاییش ماندند! شما مانند ما، باور کنید از ادبیات سیاسی آندوره شما یک صفحه و حتی یک دهم این "نوشته" اخیرتان را نمیتوانیم در مورد ناسیونالیسم و فشار و نقد از ناسیونالیسم را پیدا کرد. البته تعریف و تمجید و نشست و برخاستهای "دیپلماتیک"ی چرا فراوان خیلی وجود دارد. شما یکبار نخواستید و نتوانستید ناسیونالیسم کرد را از خود برنجانید.

دیدگاه آقای احمدیان از رزمندگی و شجاعت همان دیدگاه ناسیونالیستی بارزانی - طالبانی میباشد. که اگر همین دیدگاه را مبنای قرار دهیم ما از رزمندگی و سختی کشیدن و جنگ و فداکاری برای آرمانهایمان که در یک تشکیلات بودیم، اگر نه بیشتر، کمتر از آقای احمدیان نبودیم و باید این واقعیت را هم یادآوری کرد که تشکیلات ایشان هنوز هم از پس انداز و اندوخته های کومه له قدیم که امروز در صفوف کومه له جدید نیستیم، خرج و مصرف میکنند.

ایشان میفرمایند حزب کمونیست کارگری توده ای نشد. به گروه فشار اپوزیسیون خارج کشوری تبدیل شد. ما این "آرزیابی"

"هوشمندانه" را فقط و فقط بحساب تنفر شما پذیرفتیم. کمونیسم کارگری نه اینکه خارج کشور را به عرصه ای از دفاع کارگران ایران، بلکه عرصه را به حضور جمهوری اسلامی در خارج از کشور تنگ کرد و در داخل کشور هم شعارهای آزادی - برابری و پرچم سرخ در اعتراضات را به بخش قابل رویت و قوی از مطالبات انسانی جامعه تبدیل کرد. این پیشروی ها حاصل سه دهه فعالیت مداوم و پیگیری کمونیسم دخالتگر منصور حکمت است.

واقعا میپرسم، هیچ وقت این سوال را از خودتان کرده اید که با وجود امکان جو اعتراضی در کردستان و محبوسیت چپ و کمونیسم شاهد اثر گذاری ملموس و قابل اتکایی بوده اید! ما که شاهد شاهکاری از شما نبودیم. جنبش کارگری متأسفانه هنوز با فاصله زیادی در ارتباط با سازمانیابی و تشکلهای خود و مجمع عمومی قرار دارد.

شما که در صحنه ماندید و اردوگاه نشینی را ترک نکردید و مثل همیشه کومه له برایتان اردوگاه معنی میدهد، توسری خوردید، مزاحمتی برای کسی ایجاد نکردید، علیرغم اینکه در وسط دریایی از اعتراض و تقابلهای اجتماعی و طبقاتی در عراق و کردستان بودید منشا چه اثری بوده اید. شما همیشه سعی کرده اید مهمان "خوب" باشید و اردوگاهتان را حفظ کنید.

تنها در چند سال اخیر در پی تحرکات توده ای و رشد چپ در جامعه ایران چرتک شما پاره شد و بدنبال حوادث روز هستید. کومه له معمولاً فقط یک دهه از حوادث مهم و اطرافش عقب است. یک دهه طول کشید و با بحث و جلسه و کنگره تا متوجه شوند که کومه له فقط اردوگاه و تفنگ و حمایل نیست. یک دهه طول کشید تا خجل وار به سازمان زحمتکشانیها بگویند ناسیونالیست، آنهم وقتیکه عبدالله مهتدی گلویشان را فشار داد و میخواست اخاذی و کودتای تشکیلاتی بکند. البته هنر شما این بوده که هر وقت به جریانات انشعابی از خودتان از جمله ناسیونالیسم کرد "نقدی" داشته اید، قبل از ابراز به اصطلاح "نقد" کلی بدو بیراه نثار ما کمونیسم کارگریها و منصور حکمت میکنید. این کار شما حسابگری

عمدی برای نرنجاندن آنها است. با اتحاد این روش سخیف میخواید تا ازل و ابد در فرهنگ دوران نفرت بمانید.

اما، حالا بیشتر از دو دهه از انشعاب دهه ۹۰ میلادی میگذرد. همه تاریخ گذشته حقانیت دیدگاه و نظرات منصور حکمت را به اثبات رسانید، یادتان رفته است که منصور حکمت در مباحثات آن دوره به خط عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده گفت: «انتهای این خط خبات است». شما باور نمیکردید و آن را اغراق میدانستید. البته از خبات هم پیشی گرفته اند. و در باتلاق قومپرستی دست و پا میزنند. حزب کمونیست کارگری که همیشه قاطع تر از خود شما این توطئه ها را محکوم کرده است. و از شما دفاع کرده است. چرا باید از جانب آقای احمدیان و همفکران ایشان مورد همان حملات راست و ناسیونالیستی قرار بگیرند که مهتدی ها و ایلخانی زاده ها در ۲۰ سال گذشته تکرار کرده اند.

آقای احمدیان! دنیای دیگری غیر از روابط اطرافتان، اردوگاهتان و عکس گرفتن با "حزب کردی" و تلاش برای شرکت در کنفرانسهای "ملی"، وجود دارد. این دنیا که شما با آن بسیار فاصله دارید و گرفته اید به مراتب وسیعتر و معترضتر، با چهره تر، محبوتر، انقلابی و معترض تر از دایره محدود زندگی سیاسی شما است. کمی بیدار شوید! اوضاع سیاسی امروز دنیا، خاورمیانه و ایران و نیازهای جامعه را واقعی تر قبول و به رسمیت بشناسید. توصیه های صمیمانه ما

را بشنوید. بجای نفرت پراکنی از کمونیستها فکری بحال خودتان بکنید. حال و روز اطرافتان را ببینید، آنها زودتر دشمنی علیه کمونیسم را شروع کردند. کسانی که یک دهه تحملشان کردید و در مقابلشان صبور بودید، قوم پرستانی شده اند که حاضرند آلت دست گروهبانهای امریکایی شوند و با هر پاسداری در پستوخانه ای در جوار احزاب کردی دیدار کنند.

در آخر این سوال برای من مطرح است که این برخورد شما را به چه حسابی و چه مصلحت سیاسی باید نوشت. آیا تحت فشار جناحهای راست تر درون و اطراف تشکیلاتتان خواسته اید پز و قیافه چپ سازمانتان را تعدیل دهید. و خیال دیگران را هم راحت بکنید یا اینکه درجه حرارت شما هم تحت تاثیر "بخشهای داغ" حمله به ایران و رژیم چنچ قرار گرفته اید که شاید در سایه حمله امریکا و تعیین یک مدار ۳۶ درجه دیگر، فدرال چپها و قوم پرستان را وارد "صحنه" بکنند و شما هم در فکر سبقت و جبران بقیه راه هستید.

مصلح جنبش طبقاتی و منافع مردم محروم و تلاش برای زندگی شایسته انسان از کمونیستها این را طلب میکنند که مانع از طی کردن این مسیر توسط کومه له (سازمان) کردستان حزب کمونیست ایران) شوند. توضیح و بحث سیاسی تنها امکان تاثیر گذاری مثبت در این جهت است. اما، انتخاب را دیگران میکنند.

۱۴ دسامبر ۲۰۱۱

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی، برای تحقق رفاه و آزادی و برابری، به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

آقای هه لمه ت احمدیان! مخاطبین...

تشکیل حزب کمونیست کارگری آشنا باشد، با خواندن "نوشته" هه لمه ت احمدیان "پلاتفرم" مشترک دوران نفرت و کینه توزی از منصور حکمت و کمونیسم کارگری را که در درون کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) برای دوره ای نسبتاً طولانی بعد از جداییها نهادینه و به فرهنگ و ادبیات سیاسی جناحها و شاخه های مختلف ناسیونالیستی درون این سازمان وجود داشت، تداعی و خواننده را به آن "فضای" هیستریک و کینه توازنه میبرد. اما مخاطبین واقعی جریانات و حلقه های دیگری اند. میگویم ظاهراً، چرا که "پاسخ" به انتقاد "کم بضاعتی" تنوریک و موضع "سانتریستی" رهبری کومه له فقط بهانه ای است تا آقای احمدیان یکبار دیگر با همان پلاتفرم نفرت از کمونیسم کارگری و منصور حکمت بیعت کند که سرنوشت و "بازگشت به خویش" کل "طیف های کومه له صادق" را، بویژه پس از به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، رقم زده است و معرفی کرده است. کل ماجرا و کینه توزی جریانات موجود نه تمام کادر و اعضا سازمان کردستان حزب کمونیست ایران. کومه له، سازمان های باند سیاهی که تحت نام کومه له (عبدالله مهنتی - عمر ایلخانی زاده) این است که چرا کمونیسم کارگری مثل خود اینها در سنت ناسیونالیسم کرد بعد از اتمام جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج در سال ۹۱ خود را فلج و بی خاصیت نکرد و به زندگی اردوگاه داری و تحت قیمومیت جلال طالبانی گردن نگذاشته، است. احمدیان در همین

میدان ناسیونالیزه کردن کل تاریخ کومه له و حسرت از اینکه چرا همان وقت قطعنامه عبدالله مهنتی در رابطه با جنگ خلیج و "یافتن دوستان حال و آینده" شان در صفوف اتحادیه میهنی و "بازسازی کومه له" در رکاب جلال طالبانی با سد نفوذ کمونیسم در صفوف کومه له برخورد کرد، سرنوشت بعدی محفل منحط آزرین مقدم را دستمایه رجعت به آن پلاتفرم شکست خورده ساخته است و نوشته است:

"مستولان اتحاد سوسیالیستی از مسببین اصلی جریان انشعاب در حزب کمونیست ایران و نیز ناسامانی هائی هستند که در سال ۱۹۹۰ و سالهای بعد از آن بر سر جریان چپ کردستان عراق آمد."

یکی از عوارض بحران خلیج و جنگ آمریکا و متحدینش با عراق، تحرك ناسیونالیسم کرد بود. تحرکی که بازتاب خود را در حزب کمونیست ایران نیز نشان داد و ضربه نهائی به سیر واگرایی جریانات اجتماعی و سنت های سیاسی دخیل در این حزب را وارد ساخت و مقدمه جدائی بخشی اعظم اعضا و کادرهای حزب کمونیست ایران از این حزب گردید.

اسناد مباحثات و اختلافات درونی جناح های حزب کمونیست ایران در سایت منصور حکمت و کتاب منتخب آثار قابل دسترس است. تصویر اختلافات درونی حزب کمونیست بدون مطالعه این اسناد گویا نخواهد بود. در حوصله این مطلب هم نیست که به یک یک این مباحث در آندوره پرداخت. آنچه امروز بار دیگر ما شاهدش هستیم این است که از رهبران و اعضا سازمان کردستان حزب کمونیست

ایران. کومه له در مورد جدائیها هنوز به فرمول قدیمی و نخ نمای احزاب سنتی و بویژه ناسیونالیستی که امروز در ضلالت با کمونیسم کارگری پلاتفرم مشترک است پناه میبرند. "توطئه" و "هزیمت" از عرصه مبارزه، دقیقاً کاری که هه لمه ت احمدیان انجام داده است. این "توضیحات" که بقصد "اهمیت تاریخی" توسط او آمده امروز بر بازار فعلاً موجودی اتکا دارند که در آن کمونیسم و کمونیستها با چنین تصاویری تخطئه میشوند. رفیق هه لمه ت خوب میداند: اختلافاتی که در آن دوره در حزب کمونیست ایران شکل گرفت با تجدید نظرهای جدی در مبانی اعتقادی و سیاسی حزب کمونیست ایران همراه بود. تحلیلها و چرخشهای علناً ناسیونالیستی و پوپولیستی در درون حزبی که رسماً در نقد این سنتها شکل گرفته بود سر بلند کرد.

به این ترتیب به نظر میرسد احمدیان علاقمند است که در کل ادبیات و کتابها و مباحث داغ و سرنوشت ساز آن دوره و در صف بندی جدالهای سیاسی بین ناسیونالیسم و کردایه تی از یک سو با کمونیسم و مارکسیسم از سوئی دیگر که سرتاپای تشکیلات کومه له را در برگرفته بود، اسم خود را به لیست اقلیت ناچیز و شکست خورده و در سرازیری "هزیمت" همان دورانیهای سپری شده اضافه کند. آری، اگر آنوقت ها که ناسیونالیست بودن عیب و عار بود، اما دیگر پس از فروپاشی بلوک "کمونیسم" و سرآغاز زندگی در "جامعه مدنی" دوزخداد و خاتمی؛ و اردوگاه داری زیر سایه ناسیونالیسم به قدرت رسیده در حاشیه شهر سلیمانیه، چه

بسا برای بسیاری "کمونیست سابقی" ها مایه افتخار هم باشد. و آقای احمدیان و رهبری فعلی کومه له لابد یادشان هست که همین آزرین بریده از کمونیسم و دارای "رساله" در فحاشی به کمونیسم کارگری، مدتها ریش سفید و خط دهنده و رهبر "تنوریک" خودشان بودند.

اما نه! اشتباه نکنید، هه لمه ت احمدیان قرار نیست به این حقیقت اقرار کند که گویا قصد کرده است این اشتباه فاحش رهبری تشکیلاتش را اصلاح کند. خیر! گناه محفل آزرین مقدم در دوران همراهی اش با منصور حکمت و کمونیسم کارگری نوشته شده است و به آن میخ شده است. و اینجا، علیرغم همه ناشی گری های احمدیان، مخاطبین واقعی نوشته اخیرش در مقابل چشمان همه رژه میروند. همه "شخصیت" های "منفرد" و "تمامی" "روند" های ناسیونالیستی "طیف" کومه له، در هشدار به رهبری کومه له، که احمدیان از عناصر مهم آن است، صف بسته اند که در برابر "سنت" ها و "میراث" های کمونیسم، گارد باز دارد، که چراغ سبزهائی به جریانات تحت نام کمونیسم کارگری داده اند و حتی گناه کبیره "نشست" با آنان را مرتکب شده اند و تحریم و بایکوت و زندگی در نفرت پراکنی ضد کمونیستی همه دوایر ناسیونالیسم کرد را شکسته اند.

نوشته اخیر هه لمه ت احمدیان "تکذیبیه" چنین اتهاماتی و بیانییه "برائت از مشرکین" است. این نوشته ظاهراً رو به محفل منحط آزرین - مقدم دارد. محفلی که بسیار "تنوریک" تر، از کمونیسم کارگری و منصور حکمت نفرت، حتی در ابعاد شخصی، را به هویت

خود تبدیل کرده است. اما در دنیای واقع مخاطب همان طیف کومه له بازسازی شده مهنتی - ایلخانی - امین صادقی... است.

من قصد نداشتم به موارد "اتهامات" کمونیسم کارگری و منصور حکمت در دوره پایان جنگ ایران و عراق و یا دوره خونین عروج نظم نوین پردازم. خواننده میتواند به کتاب بحران خلیج، به مباحث سرنوشت ساز در رهبری حزب کمونیست ایران و کومه له در رابطه با اوضاع پس از ختم جنگ ایران و عراق مراجعه کند.

هه لمت میتواند شرایط ویژه سیاسی امروز و نزدیکی و دیالوگ بیشتر را در اولویت قرار دهد. بر میزان همکاری و پیش بردن همکاریهای مشترک پایفشارد. او میتواند بر تجربه حرکتهای موفق و تاکتونی انجام شده بر تجارب تاکتونی و اهمیت نزدیکی برای کار مشترک تاکید بیشتری انجام دهد.

من شخصاً علاقمند نبودم که تکرار تاریخ شخصیت هائی چون عبدالله مهنتی را در شکل کمندی آن و در هیات کسی مثل هه لمه ت احمدیان شاهد باشم و عیناً همان نیش و کنایه و زخم زبان و جملات را بخوانم که به نام آدمک ها و عناصر اسم مستعار دیگری ثبت شده بودند. چنین هم سرنوشتی و "تصادف"ی در تاریخ برای کسی که انتظار دیگری از او میرفت، برای من به دلیل خاطره هائی که در تاریخ کومه له کمونیست از او داشتم و علاقمند بودم که با همان تصاویر او را قضاوت کنم، تلخ است. اما متأسفانه برای آدمهای بزرگسال و بالغ نمیتوان تصمیم گرفت.

اول دسامبر ۲۰۱۱

مجموعه آثار منصور حکمت را بخوانید!

www.hekmat.public-archive.net
www.wpiran.org

New Channel TV
کاتان جلال

هات برد ۸ فرکانس: ۱۱۶۰۴
اف ای سی: ۵/۶ شبکه KBC
پلاریزاسیون: افقی
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

۹ و نیم تا
۱۱ و نیم شب
به وقت ایران

سخنرانی مینا احدی در مقابل کنفرانس بن دوم در شهر بن



ده سال قبل در مقابل کنفرانس بن اول، ما تظاهرات اعتراضی برپا کردیم و همان زمان گفتیم که سرهم بندی کردن يك دولت قومی و مذهبی و ارتجاعی، علیه منافع مردم افغانستان، علیه امنیت و علیه حقوق زنان است و باید یوشکا فیشر و شرودر و دولتهای غربی که در این کنفرانس مشغول سرهم بندی کردن و تحمیل يك حکومت ارتجاعی در افغانستان هستند، پاسخگو باشند. آژمان طبعاً کسی گوشش بدهکار نبود و سوپر استار آن کنفرانس فیشر وزیر امور خارجه وقت آلمان بود و در پایان کنفرانس گفتند که: سی کرسی بین پشتوها، تاجیکها، ازبکها... تقسیم میشود دو وزیر زن کزایی را همراهی خواهند کرد و قوانین در افغانستان بر اساس اصول اسلامی و دمکراسی و پلورالیسم و عدالت اجتماعی خواهد بود و سیستم قضایی مطابق با احکام اسلامی خواهد بود... همین يك جمله "سیستم قضایی بر اساس احکام اسلامی" کافی بود تا بگوئیم که این حکومت ضد انسانی خواهد بود و بقیه کلمات مثل عدالت اجتماعی و غیره تعارضی بیش نبودند...

ده سال بعد فرانسس وندلر نماینده پیشین اتحادیه اروپا در افغانستان در مصاحبه با بی بی سی گفت:

بنظر من بزرگترین اشتباه از سوی امریکاییها و کشورهای اروپایی این بود که بعد از کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ به حمایت از جنگ سالاران ائتلاف شمال ادامه دادند آنها باید خلع سلاح می شدند ما در ایجاد نهادهای سیاسی و نهادهای تامین حاکمیت و قانون

ناکام شدیم و فقط به شخصیتها تکیه کردیم.

الاحضر ابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل در این مورد به بی بی سی گفت: "برگرداندن ائتلاف شمال به قدرت اشتباه بود امریکاییها افغانستان را بمباران کردند و بسیار زودتر از کنفرانس بن آنها ائتلاف شمال را دوباره مسلح کردند و به آنها پول دادند و کمک کردند و در عمل ائتلاف شمال پس از بمبهای امریکایی آمد وقتی کنفرانس بن اول شروع شد آنها از قبل در حکومت بودند."

اکنون این دو نماینده مهم سازمان ملل و اتحادیه اروپا اعلام میکنند که دادن قدرت به مجاهدین و ائتلاف شمال اشتباه بود و پیشنهاد و یا انتقادشان از بن اول اینست که چرا از اول طالبان را سهیم قدرت نکردیم. ابراهیمی به وضوح میگوید از آغاز نظرم این بود که طالبان چه شد و اکنون کنفرانس بن دوم نه فقط از طرف الاحضر ابراهیمی بلکه از سوی بیش از ۱۰۰۰ نفر حاضرین در کنفرانس، آرزوی ائتلاف و همکاری و "صلح با طالبان" را دارد.

من در اینجا بعنوان يك زن، بعنوان مسئول يك کمیته مهم جهانی علیه سنگسار، بعنوان يك آتیست و کمونیست اعلام میکنم که شرمتان باد!

ده سال جنایت و زن ستیزی ترور، کشتار، سنگسار، آتش زدن مدارس دخترانه، بستن دهانها و به بن بست کشاندن يك جامعه را با يك انتقاد ساده که نباید به ائتلاف شمال پول و اسلحه میدادیم، سرهم بندی میکنید و سپس از دادن سرنوشت مردم افغانستان به دست طالبان دفاع میکنید. شرمتان باد!

خانمها و آقایان!

امروز در کنفرانس بن دوم با حضور نمایندگان دولتها و نهادهای بین المللی، يك کلمه در مورد اعدام و سنگسار و برقهه و فقر مطلق زنان و تن فروشی و قتل ناموسی و بستن

دهان روزنامه نگاران و ترور بی خدایان حرفی نمی شنوید. کسی در مورد درد و رنج میلیونها نفر مردم افغانستان حرفی نمیزند، کزایی کاسه گدایی در دست دارد و از دریافت میلیاردها دلار کمک حرف میزند و دولتهای غربی از اینکه فضای گورستانی به افغانستان تحمیل کنید تا ما هم منافع سیاسی و اقتصادی خود را پیگیری کنیم حرف میزنند کسی از زوج جوانی که فقط بدلیل اینکه با عشق و علاقه با هم ازدواج کرده بودند، و یکماه قبل بدست طالبان سنگسار شدند، حرفی نمیزند.

ما در مقابل این کنفرانس هستیم چرا که جامعه افغانستان و مردم و جوانان، کارگران و زنان و دانشجویان و روشنفکران و روزنامه نگاران و همه مردم افغانستان میتوانند و باید يك حکومت سکولار، مدرن و مترقی و متعهد به آزادی و برابری انسانها و متعهد به آزادی بیان سازند. این امکان پذیر است و تنها راه مقابله با جنبش اسلامی و طالبان و مجاهدین افغان و همه باندهای تروریست اسلامی کوتاه کردن دست آنها از حکومت، کوتاه کردن دستشان از میلیاردها دلار کمکهای مالی و اسلحه و قدرت سیاسی است.

ده سال گذشته در افغانستان مردم با چنگ و دندان و در مقابل دولت کزایی و باندهای اسلامی، از حقوق انسانی خود دفاع کرده و سعی در ساختن نهادهای مدنی و دفاع از آزادی بیان و... کرده اند. طبق يك نظر سنجی این مردم اکنون نگران نتایج کنفرانس بن دوم هستند و معتقدند همکاری با طالبان یعنی از دست رفتن همان يك ذره آزادی موجود و تحمیل شده به دولت در برخی از مناطق افغانستان.

اجازه دهید بعنوان کسی که از ایران آمده ام در مورد نمایش مضحک دوستی آقای وستروله وزیر امور خارجه آلمان با صالحی وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران در روز یکشنبه ۴ ماه دسامبر نیز حرفی بزنم. وستروله در مورد نقش مثبت ایران در افغانستان حرف زد!

حکومت اسلامی ایران در مقابل میلیونها شهروند ایرانی که از افغانستان پناهنده شده و در ایران

سکنی گزیده اند، يك سیاست کاملاً فاشیستی و ضد انسانی را پیاده میکند. این حکومت با تحمیل بدترین شرایط کار و با تحمیل استثمار وحشیانه علیه هزاران کارگر افغان در ایران، در عین حال رسماً و علناً علیه این کارگران و علیه مردم افغانستانی فضا سازی میکند و تبلیغات شونیستی و ضد افغان را در رسانه هایش پیش میبرد، صدها نفر افغانستانی را اعدام کرده است و حتی به کودکان افغانی نیز رحم نمیکند. این حکومت که در هفته گذشته همکاری مخفیانه اش با طالبان در افغانستان نیز برملا شده، اکنون در کنفرانس بن دوم به عنوان دوست مردم افغانستان به حراج گذاشته شده است. ما اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی ایران حکومتی فاشیست و ضد انسانی است که حقوق و حرمت میلیونها افغانستانی ساکن ایران را زیر پا له کرده است چگونه است که این حکومت که در افغانستان از ترور و ناامنی و باندهای اسلامی دفاع میکند دوست مردم افغانستان شده و وزیر امور خارجه آلمان با صالحی نماینده این حکومت دست دوستی میدهد و از کمک اینها به مردم افغانستان سپاسگزاری میکند؟

من از طرف حزب کمونیست کارگری ایران در اینجا میخواهم همبستگی عمیق خودمان را با مردم افغانستان اعلام کنم. حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزات برحق مردم افغانستان علیه دولت کزایی و باندهای تروریست اسلامی دفاع میکند و خود را در کنار این مبارزات میداند. ما اعلام میکنیم که هر درجه دخالت مذهب و اسلام در دولت و آموزش و پرورش به معنای زیر پا گذاشته شدن حقوق انسانی مردم و حقوق زنان است و بشدت محکوم است. ما خواهان جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش هستیم. ما از مبارزات قهرمانانه زنان در افغانستان برای حقوق و حرمت انسانی خودشان فعالانه دفاع میکنیم. ما از مبارزه کارگران، دانشجویان روزنامه نگاران و مردم افغانستان برای آزادی دفاع میکنیم.

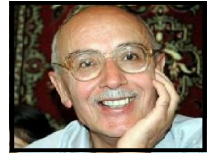
در اینجا باید در مورد هزاران نفر مردم آلمان که در روز شنبه سوم

دسامبر به خیابان رفته و علیه جنگ در افغانستان اعتراض کردند، بگویم که ضمن ابراز همبستگی و احترام به این مبارزات باید به این سوال نیز پاسخ دهیم آیا قبل از روی کار آمدن حکومت کزایی و قبل از اعزام نیرو از آلمان و... به افغانستان در آن کشور صلح وجود داشت؟ آیا با بودن يك حکومت اسلامی و این بار با دخالت دادن طالبان در قدرت جامعه افغانستان رنگ صلح خواهد دید؟ نخیر. قبلاً هم در افغانستان صلحی نبود وجود حکومت اسلامی در این کشور یعنی اعلان جنگ با مردم بویژه اعلان جنگ با زنان. در اینجا حزب چپ و یا حزب سبز الان که در قدرت نیست، از صلح در افغانستان و عدم دخالت ناتو و یا سرایان آلمانی در افغانستان حرف میزنند، سوال اینست با خروج نیروهای ناتو و یا آلمان، و دادن سرنوشت مردم به دست مشتی تروریست اسلامی و دادن امکانات مالی و اسلحه و قدرت سیاسی به اینها آیا مردم افغانستان خواهند توانست نفسی به راحتی بکشند پاسخ اینست نه ابداً.

در کنفرانس بن دوم رسانه ها میگویند روحیه ها خوب نیست و ناامیدی در این کنفرانس موج میزند. من میگویم اتفاقاً به یمن اعتراضات گسترده مردم در دنیا، به یمن اعتراض متحدهان مردم در مصر و اسرائیل و امریکا و اسپانیا و آلمان علیه حاکمین و سرمایه داران و صاحبان قدرت، به یمن وجود ارتباطات بین المللی و نقش و حضور جوانان در این مبارزات، روحیه ما خوب است. با همبستگی و اعتراض گسترده میتوان و باید به کمک مردم افغانستان شتافت. فراخوان من به مردم و زنان و جوانان در افغانستان اینست که متحدهان به میدان بیایید و علیه حکومت اسلامی و قوانین اسلامی در این کشور اعتراض کنید.

توجه کنید من از يك کشور دیکتاتور به اینجا آمده ام و در آنجا صدای اعتراض مردم با گلوله و شکنجه و زندان پاسخ میگیرد و من بیست سال است که در اروپا زندگی میکنم و "دمکراسی" را نیز تجربه کرده ام در اینجا نیز به اعتراض و

ملاقات مینا احدی با مقامات پارلمان اروپا در رابطه با پیگیری پرونده قتل رافق تقی



رافق تقی

آلمان باید بیش از پیش برای نجات هوتن کیان و سکینه محمدی آشتیانی فعالیت کند و ظاهراً بعد از آزادی دو خبرنگار آلمانی، فعالیتی در جهت آزادی هوتن کیان و سکینه محمدی آشتیانی از سوی وزارت امور خارجه انجام نگرفته است.

مارتون کواکس نماینده الکساندر الوارو اعلام کرد که بزودی در این مورد اقدام کرده و نتیجه را به کمیته بین المللی علیه سنگسار اعلام خواهند کرد.

در اینجا متن درخواستی را که در مورد رافق تقی در اختیار مقامات پارلمان اروپا قرار گرفته، ملاحظه میکنید.

اطلاعیه مطبوعاتی درخواست چند چهره سرشناس بین المللی برای رسیدگی به قتل رافق تقی

روز ششم دسامبر سلمان رشدی، ریچارد داوکینز، تسلیمه نسرین، مینا احدی، جون اسمیت، مریم نمازی و نیک کوهن چهره های سرشناس آنتیست بین المللی از اتحادیه اروپا درخواست کردند که بطور مستقل به قتل رافق تقی رسیدگی کند.

روز سه شنبه ششم دسامبر مینا احدی در محل پارلمان اروپا در بروکسل طی دیدار با مقامات اتحادیه اروپا و از جمله دفتر رئیس پارلمان اروپا، جرسی بوزک، این نامه را به آنها داده و خواهان اعزام فوری یک هیئت مستقل از سوی پارلمان اروپا برای رسیدگی به قتل رافق تقی میشود.

نویسندگان این نامه خود نوشته

اند.
رفیق تقی نویسنده و منتقد سرشناس جنبش اسلامی، منتقد حکومت اسلامی ایران و حکومت آذربایجان در اثر جراحات ناشی از حمله به وی در هنگام مراجعت به منزلش در روز ۱۹ نوامبر، درگذشت. او در بیمارستان و بعد از اینکه کمی حالش بهتر شده بود در یک مصاحبه اعلام کرد که احتمالاً این حمله از سوی جمهوری اسلامی ایران سازمان یافته باشد. او مجدداً حالش بد شد و روز ۲۳ نوامبر درگذشت. برخی بر این باورند که دلیل ضعیف بودن محافظت از رافق تقی در بیمارستان، احتمالاً او را مسموم کرده باشند.

علیرغم اینکه در سال ۲۰۰۶ آیت الله لنکرانی برای قتل رافق تقی فتوا داده بود، جمهوری اسلامی هر نوع دست داشتن در این قتل را انکار کرده است. پسر آیت الله لنکرانی (که پدرش فوت کرده است) به قاتل رافق تقی تبریک گفت و یکی از روزنامه های جمهوری اسلامی ایران با خوشحالی اعلام کرد که "سلمان رشدی آذربایجان مرد" ما امضا کنندگان این نامه از اتحادیه اروپا میخواهیم که این قتل را محکوم کند و هیئتی برای رسیدگی به این قتل به آذربایجان بفرستند. حقایق مربوط به این قتل باید روشن شود.

مینا احدی
نیک کوهن
ریچارد داوکینز
مریم نمازی
سلمان رشدی
تسلیمه نسرین
جون اسمیت

۶ دسامبر ۲۰۱۱

از صفحه ۵ سخنرانی مینا احدی در ...



انتقاد مردم واقعی نمی نهند و در مواردی اعتراضات را با خشونت سرکوب میکنند پرنسیپ ها تقریباً یکسان است علیرغم خواست مردم همان کاری را میکنند که به نفع خودشان است دولت آلمان ده سال قبل چنین کرد و امروز هم چنین میکنند.

یک فاکتور مهم در دنیای سیاست از ده سال قبل به اینسو عوض شده است مردم به خیابان

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر مچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برحذر دارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.
پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میدانند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مهرگ بر سر مایه داری و دولت اسلامی اش!
زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.
اعدام یا هر نوع مجازات
متضمن تعرض به جسم افراد
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)
تحت هر شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

حمله باندهای اسلامی به مراکز ماساژ و مشروب فروشی ها در زاخو



درگیری میان پلیس و آنان، ۱۲ پلیس و ۴ نفر از حمله کنندگان زخمی شدند اند این حملات تا ساعت ۷:۰۰ به وقت محلی ادامه داشته است.

پلیس و ماموران حکومت محلی احزاب حاکم برای قتل و کشتار جوانان و مردم حق طلب حاضرند دست به هر جنایتی بزنند اما از مقابله با تعدادی لمپن اسلامی زبون هستند. واقعیت این است که ماموران حکومت بارزانی و طالبانی همانند سرانشان با جانوران اسلامی دستشان در یک کاسه است. هم احزاب ناسیونالیست حاکم و هم جریانات اسلامی و مرتجعین محلی زندگی را بر مردم سیاه کرده اند. پاسخ این مرتجعین را مردم مبارز و شرافتمند کردستان عراق خواهند داد. زنده باد مبارزه مردم آزاده و حق طلب شهرهای کردستان عراق علیه حاکمان ناسیونالیست و جریانات اسلامی.

بنا به خبر دریافتی امروز جمعه ۲۰۱۱/۱۲/۲ امام جمعه شهر زاخو اعلام کرد که مرکزهای مشروب فروشی ها و میخانه ها عقاید دینی و اسلامی مسلمانان را به خطر می اندازد و به او باش اسلامی فرمان داد که به این مراکز حمله کنند.

بعد از نماز جمعه ساعت ۴:۳۰ به وقت محلی اسلامیون مرتجع به دستور امام جمعه شهر زاخو به مراکز ماساژ و مشروب فروشی ها حمله کردند. این حملات خسارات های زیادی را به مشروب فروشی ها وارد کرده است و تا این لحظه ۳۵ مغازه مشروب فروشی و ۴ هتل که گویا آنها هم در بوفه شان مشروب می فروختند را به آتش کشیدند. و به ماشین های پارک شده در نزدیکی هتل و مغازه های به آتش کشیده، به چندین ماشین هم حمله و آن ها را به آتش کشیدند.

گویا پلیس شهر زاخو "نتوانسته" است جلوی او باش اسلامی را بگیرد و در نتیجه

تباعد فعال فرهنگی در مهاباد به اتهام ارتباط با یک حزب مخالف

پس از سپری نمودن دوران محکومیت از زندان آزاد شد. روز ۱۵ مهر ماه نیز عزیز ناصری دبیر دبیرستان های مریوان از سوی هیأت رسیدگی به شکایات اداری در تهران به اتهام خروج غیرقانونی از کشور و ارتباط تلفنی با عناصر مخالف نظام به ۲ سال تبعید به سریش آباد استان کردستان تبعید شد.*

علی پاسبار، از سوی هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری استان کردستان، به اتهام همکاری با احزاب مخالف به ۵ سال تبعید به استان سمنان محکوم شد. علی پاسبار پیشتر نیز در سال ۱۳۸۷ بازداشت و از سوی دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام همکاری با یکی از گروههای مخالف نظام به دو سال زندان محکوم شده بود که

بنیاد های اجتماعی و فکری کمونیسم کارگری

یک دنیای بهتر

امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و میسر است.

آزادی، برابری، رفاه

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری بخش ۱

بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم

اعتصاب غذای جبرئیل خسروی در زندان سنندج

محکومیت خود را در زندان سپری کرده است، از طرف رئیس زندان برای او تقاضای عفو مشروط شده بود که با مخالفت قاضی شعبه چهار دادگاه تجدید نظر رژیم مواجه شد و کماکان در زندان بسر می برد.*

جبرئیل خسروی که در تاریخ ۲۵ مردادماه ۸۷ به اتهام همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون دستگیر و به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد، اکنون سه سال و شش ماه از دوران

بر اساس خبر رسیده از سنندج، زندانی سیاسی "جبرئیل خسروی" از تاریخ ۸ آذرماه در اعتراض به آزاد نشدن خود از سوی مراجع قضایی رژیم در زندان سنندج دست به اعتصاب غذا زده است.

آمارهایی از نقض حقوق انسانی در شهرهای کردستان

عمده اتهامات وارده اقدام علیه امنیت ملی اعلام شده است. در همین مدت، ۳۴ نفر از کارگران مرزی هدف تیراندازی مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی قرار گرفته و کشته شده اند، که در همین راستا ۱۴ نفر نیز به شدت زخمی شده اند.

مناطق مرزی، ۱۸۵ نفر از فعالان سیاسی، مدنی، فرهنگی و فعالان محیط زیست و فعالان صنفی و کارگری از سوی نهادهای امنیتی و قضایی حکومت اسلامی بازداشت شده اند. در طی این ۴ ماه، از سوی دستگاه قضایی رژیم اسلامی تعدادی از شهروندان به ۲۱۵ سال زندان تعزیری و ۱۷ سال زندان تعلیقی محکوم شده اند.

طی ۴ ماه گذشته شهرهای کردستان شاهد ۱۸۵ مورد بازداشت، صدور ۲۱۵ سال زندان برای فعالان سیاسی و فرهنگی و کشته شدن ۳۴ کارگر مرزی و زخمی شدن ۱۴ نفر دیگر از سوی نهادها و نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی بوده است.

با استناد به این آمار طی ۴ ماه گذشته در شهرهای کردستان و

بنقل از مرکز آمار کردپا*

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

قابل توجه اعضا حزب کمونیست کارگری ایران!

چنانچه برگه های رای را دریافت نکرده اید، با کمیته ها و مسئولین واحدهای خود تماس بگیرید.

به اطلاع میرسانیم که از روز دوشنبه ۵ دسامبر برابر با ۱۴ آذر انتخابات نمایندگان کنگره ۸ شروع میشود. آخرین مهلت برای ارسال برگه های رای، جمعه ۹ دسامبر (۱۸ آذر) است.

خلیل کیوان مسئول انتخابات کنگره ۸
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹
ایمیل: congress8@gmail.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Sharande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswwift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

لیست کاندیداهای انتخابات سراسری کنگره:

- | | | |
|------------------------|-----------------------------------|-------------------|
| ۹۶ سرور کاردار | ۴۸ شهلا خباززاده | ۱ پیام آذر |
| ۹۷ سودابه کاظمیان | ۴۹ سهیلا خسروی | ۲ کیان آذر |
| ۹۸ عباس کامیل | ۵۰ شهلا دانشفر | ۳ مسعود آذر نوش |
| ۹۹ اصغر کریمی | ۵۱ میترا دانشی | ۴ سیاوش آذری |
| ۱۰۰ مسعود کریمی | ۵۲ فرزانه درخشان | ۵ فریده آرمان |
| ۱۰۱ محمد امین کمانگر | ۵۳ مهین درویش روحانی | ۶ کاوه آرمان |
| ۱۰۲ یدی کوهی | ۵۴ پتی دینیتاس | ۷ خسرو آرمینان |
| ۱۰۳ خلیل کیوان | ۵۵ بهمن ذاکر نژاد | ۸ شریف آزادمنش |
| ۱۰۴ ناصر کشکولی | ۵۶ احمد رحمانی | ۹ رضا آزموده |
| ۱۰۵ عبدل کلپریان | ۵۷ حمید رحیم پور | ۱۰ محمد آسنگران |
| ۱۰۶ عباس گویا | ۵۸ صابر رحیمی | ۱۱ حسن آقائی |
| ۱۰۷ حیدر گوئیلی | ۵۹ پری رشیدی | ۱۲ گیتی آقاجانی |
| ۱۰۸ اژدر مارالی | ۶۰ آران رضائی | ۱۳ حسن آقاییاری |
| ۱۰۹ عباس ماندگار | ۶۱ آناهیتا روشن | ۱۴ امیر آینه چی |
| ۱۱۰ خبات مجید | ۶۲ فواد روشن (رزگار) | ۱۵ محسن ابراهیمی |
| ۱۱۱ شیوا محبوبی | ۶۳ عباس زمانی | ۱۶ منیژه اتامی |
| ۱۱۲ مهران محبوبی | ۶۴ بهرام سروش | ۱۷ مینا احدی |
| ۱۱۳ علی محسنی | ۶۵ هوشیار سروش | ۱۸ عبدالله اسدی |
| ۱۱۴ عطا محمدنژاد | ۶۶ محبوبه سیاهمردی | ۱۹ روزبه اسماعیلی |
| ۱۱۵ نوید محمدی | ۶۷ کریم شاه محمدی | ۲۰ ناصر اصغری |
| ۱۱۶ ناصر محمودی | ۶۸ سهیلا شریفی | ۲۱ زری اصلی |
| ۱۱۷ یدی محمودی | ۶۹ عصام شکری | ۲۲ سعید اصلی |
| ۱۱۸ رضا مرادی | ۷۰ محمد شکوهی | ۲۳ غلام اکبری |
| ۱۱۹ علی مرادی | ۷۱ ایمان شیرعلی | ۲۴ سیامک امجدی |
| ۱۲۰ فرشته مرادی | ۷۲ مصطفی صابر | ۲۵ سیروس ایلیگی |
| ۱۲۱ شهناز مرتب | ۷۳ حسن صالحی | ۲۶ رویا بحرینی |
| ۱۲۲ علی مطمئن | ۷۴ نازنین صدیقی | ۲۷ نازنین برومند |
| ۱۲۳ فلورت معارفی | ۷۵ داریوش صفا (بهمن برمن) | ۲۸ حبیب بکتاش |
| ۱۲۴ سیامک مکی | ۷۶ ابوذر صلح جو | ۲۹ بهروز بهاری |
| ۱۲۵ بهروز مهرآبادی | ۷۷ شمه صلواتی | ۳۰ سیامک بهاری |
| ۱۲۶ کاوش مهران | ۷۸ مجید صندوقدار | ۳۱ سیما بهاری |
| ۱۲۷ جملیه میرکی | ۷۹ مریم طاهری | ۳۲ شهاب بهرامی |
| ۱۲۸ بهار میلانی | ۸۰ هستی طاهری | ۳۳ شیرین بهرامی |
| ۱۲۹ نوید مینائی | ۸۱ اسماعیل علیجانی
(اسی برلین) | ۳۴ فاتح بهرامی |
| ۱۳۰ فاضل نادری | ۸۲ پیشرو علیپور | ۳۵ فواد پارسا |
| ۱۳۱ جاوید ناصری (عباس) | ۸۳ مهین علیپور | ۳۶ سعید پرتو |
| ۱۳۲ سارا نخعی | ۸۴ مرتضی فاتح | ۳۷ آذر پویا |
| ۱۳۳ محمد نعمتی | ۸۵ مینو فتاحی | ۳۸ فریبرز پویا |
| ۱۳۴ مریم نمازی | ۸۶ رضا فتحی (فرامرز قربانی) | ۳۹ محمد رضا پویا |
| ۱۳۵ سمیر نوری | ۸۷ ایرج فرجاد | ۴۰ حمید تقوانی |
| ۱۳۶ حمید نیک بخت | ۸۸ فریدون فرجاد | ۴۱ بهرام تورانی |
| ۱۳۷ کاظم نیکخواه | ۸۹ آوات فرخی | ۴۲ امیر توکلی |
| ۱۳۸ افسانه وحدت | ۹۰ جمیل فرزاد | ۴۳ کیوان جاوید |
| ۱۳۹ هادی وقفی | ۹۱ فریدون فرخی | ۴۴ جلیل جلیلی |
| ۱۴۰ سعید ویسی | ۹۲ شکر فیضی نژاد | ۴۵ بهرام جهانبخش |
| ۱۴۱ ازگور یالچین | ۹۳ محمود قاندی | ۴۶ فرشاد حسینی |
| ۱۴۲ رحیم یزدا نپرست | ۹۴ مرسله قاندی | ۴۷ بهمن خانی |
| ۱۴۳ بابک یزدی | ۹۵ طغرا قره گزلو | |
| *** | | |

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!